

اسنادی منتشر نشده از هیات اتحاد اسلام

میزه صدوری

یکی از کاستیهای مهم در پژوهشهای مربوط به تاریخ نهضتها و جنبشهای اسلامی معاصر، کم توجهی و یا عدم توجه به ابعاد و فعالیت‌های مالی و اقتصادی این نهضتها و گرایشها، و هم و غم رهبران آنها در باب مسایل اقتصادی است. این بحث به ویژه امروز که مسایل اقتصادی و توسعه در کانون توجهات به مسایل اجتماعی قرار دارد، دارای اهمیت و اعتبار خاصی می‌باشد. پیوستن میرزا کوچک خان به هیات اتحاد اسلام و سپس نام گذاری تشکیل قیام جنگل به نام اتحاد اسلام از حیث تاریخ سیاسی شایان توجه هر چه بیشتر است. جنگلیها پس از اینکه تمام گیلان را تحت نفوذ خود درآوردند، کسما را به عنوان مرکز تاسیسات مالی و اداری قرار دادند و چند تن از اعضای نهضت به عنوان مسوولین امور مالی و گمرکی به امر تامین مخارج نهضت پرداختند.

مقاله‌ای که پیش روی شما عزیزان قرار دارد، حاوی اسناد منتشر نشده‌ای است که به موضوع قیام جنگل و فعالیت‌های مالی و اقتصادی آنها مربوط می‌شود. باشد که مورد استفاده شما قرار گیرد.

نهضت میرزا کوچک خان و هیات اتحاد اسلام یکی از موضوعات قابل بحث تاریخ معاصر ایران است که از جهات مختلف نگاه محققان را به سوی خود جلب کرده است. در این نگاه اسناد جایگاه مهمی دارد تا کنون چند مجموعه سند در این موضوع انتشار یافته است^۱ اسنادی که تاکنون انتشار یافته بیشتر بر جنبه سیاسی موضوع اعم از داخلی و یا خارجی توجه دارند، کمی تعدادی سند توسط آقارحیم نیکبخت در اختیار اینجانب قرار گرفت که به زاویه‌ای نه چندان توجه شده‌ای مربوط می‌شد و آن دخالت هیات اتحاد اسلام در امور مالی و اقتصادی و عکس العمل حکومت محلی گیلان و دولت مرکزی در این رابطه است هر چند این اسناد افتادگیهایی دارد با این حال در کنار اسناد^۲ و پژوهشهای چاپ شده می‌تواند در رفع ابهاماتی موثر واقع شود. قبل از توجه به اسناد، نخست در نگاهی کلی به تشکیل هیات اتحاد اسلام می‌پردازیم سپس گوشه‌ای از فعالیت‌های هیات اتحاد اسلام به روایت اسناد این مجموعه و نحوه باز نویسی این اسناد مرور خواهد شد.



تشکیل هیات اتحاد اسلام

اتحاد اسلام سازمانی بود که مرکز فعالیتش در اسلامبول بود و به وسیله چند تن از پیشوایان دینی به وجود آمده بود از مهمترین منافعان این فکر سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به «افغانی» بود که ایجاد اتحاد اسلامی را یکی از مهمترین راهها برای مقلبه با کشورهای استعمارگر می‌دانست و تمام تلاش خود را به همین منظور انجام داد.^۳ بعدها عبدالرحمن کواکبی، عبده رشید رضا و دیگران این فکر را با هدف گردآوردن عموم مسلمانان زیر لوای واحد و ایجاد روزنه سیاسی جهانی برای دنیای اسلام دنبال کردند «این فکر توسط عده‌ای از علما و رجال سیاسی ایران مانند سید محمدرضا مسالوات، سیدمحمد کمرهای، سلیمان محسن

اسکندری، میرزا طاهر تنکابنی، سید حسن مترس و عضویت این سازمان را قبل و در پیشرفت هدف سازمان، شرکت فعالانه داشتند اما نه به طور دسته‌جمعی بلکه تک‌تک و به شکل افراد چه پیوند معنوی و ارتباط اجتماعی بین محافل دینی برقرار نبود.^۴

بعضی از نویسندگان نیز سیاست اتحاد اسلام را یک سیاست نامرئی از سوی دولت عثمانی برای جلب حمایت مسلمانان داخلی و خارج امپراطوری می‌دانند. نویسندگانی نظیر شاهزاده قاجار ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس بودند که در رساله‌ای به نام اتحاد اسلام (۱۳۶۲ ق / ۱۸۹۴ م) بدون هیچ دغدغهای بحث می‌کند که بهترین امید برای حفظ مسلمانان از انحطاط، گردن نهان آنها به رهبری عبدالمجید این سلطان فرزانه منورالفکر است که در صدد متحدساختن جهان اسلام برآمده است.^۵

اسماعیل راتین در مورد سابقه تشکیلات اتحاد اسلام در تهران چنین می‌نویسد: «دو نفر از نمایندگان سلطان محمد پادشاه عثمانی، برای اتحاد مسلمین شرق میانه و الحاق ایران به تشکیلات اتحاد اسلام (که از اکثر ممالک سنی تشکیل شده و سلطان عثمانی سردمدار آن بود) فعالیت می‌کردند این دو نفر از جانب سلطان سنی عثمانی ماموریت داشتند تا به هر وسیله شده، دربار قاجاریه و نیز مردم ایران را که پیرو مذهب شیعه جعفری اثنی عشری بودند، وادار کنند تا وارد جرگه «اتحاد اسلام» و پایه‌های «خلافت اسلامی» را برای پادشاه عثمانی مستحکم کنند ولی دربار قاجاریه و هیچ یک از رجال و بزرگان مملکت و بخصوص علمای شیعه ایران و بین‌النهرین پیشنهاد آنها را نپذیرفتند. نمایندگان که دست خالی و بدون اخذ نتیجه به اسلامبول باز می‌گشتند به دربار ایران اخطار کردند که پس از مراجعت به پایتخت عثمانی، به همه مسلمین جهان خواهیم گفت که ایرانیان به مذهب اسلام عقیده‌ای ندارند دربار قاجاریه برای اینکه نمایندگان اعزامی شاه عثمانی را خوشحال کرده باشند مخفیانه به حاج معین بوشهری، حاج محتشم - السلطنه و مسالوات دستور داد تا تشکیلات سری «اتحاد اسلام» را در تهران دایر و عده‌ای را وارد جمعیت سری «اتحاد اسلام» نمایند در بین این کسانی که وارد این تشکیلات شدند از جمله میرزا کوچک خان، حسن روشنی و مهیا یک بودند این سه نفر با داشتن تعصب مذهبی کوشا بودند و بنان سبب وقتی میرزا در جنگل پیشرفت کرد نام تشکیلات خود را «اتحاد اسلام» گذاشت.^۶

یحیی دیوسالار در مورد تاریخچه تشکیل اتحاد اسلام بعد از قرارداد ۱۹۰۷ چنین بیان می‌کند: «احرار و آزادیخواهان از دمکرات و اعتدال - تندروها و کندروها گرد هم جمع شده جمعیتی به نام اتحاد اسلام تشکیل دادند و ایجاد قدرتی در مردم نمودند این جمعیت که با علما نجف و سایر مراکز دینی ارتباط به هم زده بود و مرحوم مستوفی‌الممالک آن را رهبری می‌نمود با دو دولت آلمان و عثمانی که با روس و انگلیس در جنگ بودند متحد گردیده و از آنها اسلحه دریافت می‌نمودند در همین ایام پس از جلسه شوری قرار بر این شد که عده‌ای از مردان فناکار و با سابقه داوطلب رفتن به شمال کردند تا با اقدامات مقتضی جلوی پیشروی قشون تزاری روس را بگیرند. در نتیجه ۴۶ تن تحت نظر پنج تن از جمله میرزا کوچک خان و^۷ انتخاب شدند.

ملک‌الشعراى بهار در مورد پیوستن میرزا کوچک‌خان به اتحاد اسلام چنین می‌نویسد: «میرزا با اردوی آحرار از گیلان به قزوین و از آنجا به تهران آمد و در واقع جز حزب اعتدالیون محسوب می‌گردید بعد از بسته‌شدن مجلس در سال ۱۳۲۹ هـ ق دو نفر از دعوات ترک «بها بیک و روشنی بیگ» به عنوان دعوت به «اتحاد اسلام» وارد تهران شدند و با دموکراتها که از دولت وقت ناراضی بودند به هم ساخته و مردم را جلب نموده و به اتحاد اسلام و فداکاری در این راه دعوت می‌کردند موسس دو نفر ترک و مرحوم سید محمدرضا مساوات بود و میرزا کوچک‌خان هم جز اعضا موسس این جمعیت داخل کارگردید میرزا کوچک‌خان با عقیده «اتحاد اسلام» به گیلان رفت و در جنگ بین الملل تشکیلاتی در شهر و جنگل فومن به نام «اتحاد اسلام» راه انداخت.^۸

به هر حال در گیلان هیات اتحاد اسلام تشکیل شد که افرادی به استثنای چند نفر همه از علما و روحانیون بودند «این وضع که تعدادی از روحانیون زمام کار را به دست گرفته کارگردانی و رهبری امور انقلاب را عهده‌دار شدند، به مذاق عده‌ای گوارا نیامد و ترتیبی دادند که «هیات اتحاد اسلام» به کمیته تبدیل شود و در نتیجه این تغییر نام، افراد غیرروحانی نیز توانستند به عضویت رسمی اتحاد اسلام درآیند و اکثریت اعضا کمیته را به دست آورند افراد کمیته ۲۷ نفر بودند.^۹

دایره فعالیت میرزا کوچک‌خان به تدریج وسعت یافت و سراسر بخشهای گیلان، مازندران، طارم، آستارا، خلخال، طالش، زیر کنترل وی درآمد. و احتمالا همکاریهایی نیز با «دعوات ترک و آلمان»^{۱۰} داشت. فخرایی نیز به آن اشاره می‌کند «موسس فرقه ژون ترک وابسته به هیات اتحاد اسلام انورپاشا که آن زمان فرماندهی ارتش عثمانی را به عهده داشت شنیده بود در یک قسمت از نقاط شمالی ایران (گیلان) جمعیتی به نام اتحاد اسلام قديرافراشته و با روسها نبرد می‌کنند به پای هم‌مردی با برادران هم‌کیش اسلحه و مهمات کمک کند نائب مصطفی قزوینی اسلحه‌ها را تحویل گرفت اما سلطان علی‌اکبرخان کیانی (سیاه‌پوس) که مامور شد یک عرادۀ توپ عثمانیها را در تبریز تحویل گرفت به جنگل بیاورد توفیق پیدانکرد و دستگیر گردید.»^{۱۱} به تدریج دایره قدرت جنگلیها در گیلان توسعه یافت. جنگلیها بعد از اینکه تقریبا تمام خطه گیلان را زیر قلمرو خود درآوردند به نیروهای تحت اختیار خود سازمان دادند و کسما را مرکز تاسیسات مالی و اداری خود قرار دادند. امور مالی جنگل را محمداسماعیل کسمائی و سالار ناصر خلیج (فاطمی) و آقاخان کیانی (گرگین) عهده‌دار شد و از محل وصول عسریه و عوارض خروج کالا به خارج گیلان، هزینه‌های جاری را تامین می‌کردند. هدف این مقاله ذکر فعالیت جنگلیها نیست بلکه بر طبق اسناد موجود که ضمیمه است نشان دادن یک نمونه از اقدامات جنگلیها و عکس‌العمل وزارت داخله و مالیه در مقابل اقدامات آنها و همچنین روابط حاکم بین حاکم بین نو وزارتخانه در مورد این مساله در این سازمان است.

نمونه‌ای از فعالیت هیات اتحاد اسلام
محمدحسین گیلانی در تاریخ اسفند ماه ۱۲۶۹ نامهای به

وزارت مالیه وقت نوشته و گزارشی را از فعالیتهای اعضا بلدییه رشت هیات اسلام داده که به موجب این گزارش اعضا بلدییه رشت در صدد برآمده بودند که در کلیه امور دایره نواقل [اداره راه] دخالت نموده و اداره مالیه را از دخالت در ضبط و ربط عایدات و جمع و خرج محاسبه آن بازدارند. اداره مالیه گیلان در مقابل فعالیتهای آنها ایستادگی نموده و بیان کرده که بدون حکم مرکز توانایی پذیرش این تقاضا را ندارد ولی اعضا بلدییه رشت این مساله را تعقیب کرده و به حکم قاطع هیات اتحاد اسلام اقدام به تحویل دایره مزبور به اداره بلدییه تحویل کرده‌اند و دایره نواقل اول اسفند ماه با تمام دفاتر و موجودی صندوق بر حسب حکم اتحاد اسلام به اداره بلدییه تحویل داده است.^{۱۲}

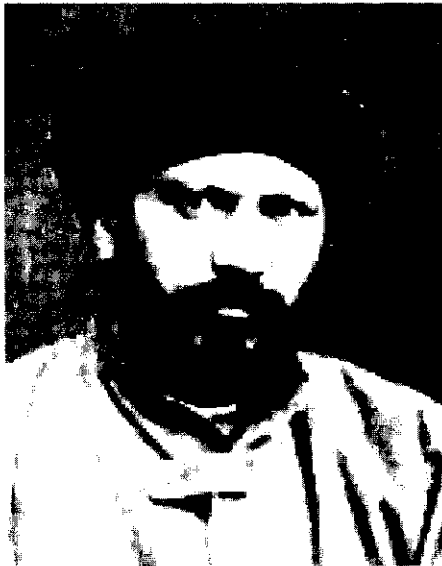
وزارت مالیه نیز از فعالیتهای انجام شده در گیلان وزارت داخله را بی‌اطلاع نگذاشته و در موضوع جلوگیری از دخالت دیگران در امور تحدید گیلان نتیجه اقدامات کفیل حکومت گیلان را خواستار شده است.^{۱۳} وزارت داخله طی تلگراف شهری به وزارت مالیه جواب کفیل حکومت گیلان را در مورد بلدییه رشت ارسال داشته^{۱۴} که متأسفانه از مندرجات آن اطلاعی به دست نیامد.

وزارت مالیه گزارش اداره گیلان را به وزارت داخله ارسال داشته و در تعقیب توقیف عایدات بلدییه انزلی به توسط اعضا بلدییه آنجا که کلیه عایدات بلدییه گیلان را نیز ضبط کرده‌اند وزارت مالیه خواستار اقدامات جدی در جلوگیری از این قبیل کارهای هیات اسلام از سوی وزارت داخله شده است.^{۱۵}

اداره مالیه گیلان در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۲۹۷ نیز طی گزارشهای قبلی به وزارت مالیه معروض می‌دارد که کمافی‌السابق دایره مزبور ضمیمه بلدییه است و به تصویب حکومتی عایدات آن را صرف می‌کنند. مستدعی است هر نوع صلاح است اوامر لازمه به عهده اداره مالیه صادر فرمایید.^{۱۶}

نامه‌ای به تاریخ ۱۸ دی‌ماه ۱۲۹۷ اداره کل تحدید به وزارت مالیه در تعقیب نامه‌های قبلی ارسال داشته و استدعا کرده از تصمیم و اقداماتی که در جلوگیری از منخالات اداره مالیه و هیات اتحاد اسلام نسبت به امور تحدید گیلان خاصه در این اوقات که سرویس تحدید به اجاره رفته اتخاذ فرموده اداره مرکزی کل تحدید را مطلع فرمایند.^{۱۷} در تاریخ ۲۸ دی‌ماه پیرو نامه‌های وزارت داخله^{۱۸} راجع به دخالت هیات اتحاد اسلام در امور گیلان رونوشت دیگری از اداره کل تحدید برای استحضار وزارت داخله ارسال شده و خواستار اطلاع از نتیجه اقدامات به عمل آورده شده می‌شوند.^{۱۹}

نامه‌ای به تاریخ ۲۶ رجب ۱۳۳۶ هجری قمری از وزارت داخله به وزارت مالیه مبنی بر رسیدن تلگراف رمز از کفیل حکومت گیلان در جواب وزارت داخله راجع به امور آستارا موجود است که متأسفانه از مواد آن در تلگراف اطلاعی به دست نمی‌آید.^{۲۰} در تاریخ ۱۷ اسفند ماه اداره مالیه گیلان طی نامه‌ای به حکومت گیلان و طوالتش اظهار داشته که سواد حکم تلگرافی وزارت داخله راجع به جلوگیری از دخالت دیگران در امور تحدید زیارت گردید. نظر به اینکه در این موضوع هم حکمی^{۲۱} از وزارت مالیه رسیده و مراتب را به طور کامل به عرض کارگزاران وزارت مالیه رسانیده لذا از حقیقت امر کارگزاران



مدرس، سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزا کوچک‌خان، سه مردی که در فکر اتحاد دنیای اسلام بودند

از مهمترین مدافعان این فکر سید جمال الدین اسدآبادی معروف به «افغانی» بود که ایجاد اتحاد اسلامی را یکی از مهمترین راه‌ها برای مقابله با کشورهای استعمارگر می‌دانست و تمام تلاش خود را به همین منظور انجام داد

**ملک الشعراى بهار در مورد
پیوستن میرزا کوچک خان به
اتحاد اسلام می‌نویسد: «موسس
دو نفر ترک و مرحوم سید
محمد رضا مساوات بودند و میرزا
کوچک خان هم جزء اعضا موسس
این جمعیت داخل کار گردید. میرزا
کوچک خان با عقیده اتحاد اسلام
به گیلان رفت و در جنگ
بین الملل تشکیلاتی در شهر و
جنگل فومن به نام اتحاد اسلام
راه انداخت»**

وزارت داخله هم مستحضر خواهند شد و از آنجا حکومت هم از تصمیم جمعیت اتحاد اسلام راجع به اخذ عایدات و تمرکز یافتن آن به اداره مالیه و مناخلاتی که در کلیه امور دارند بی‌اطلاع نیستند و بدیهی است که هرگونه جوابی که مقتضی باشد به عرض وزارت داخله خواهد رسانید.^{۲۲} و به این ترتیب مسئولیت عدم اطلاع را از اداره مالیه گیلان ساقط می‌کنند. با وجود نامه‌های مکرر در تاریخ سوم اسفندماه ۱۳۲۷ هجری قمری وزارت داخله طی تلگرافی به کفیل حکومت گیلان اظهار داشته: «کرارا راجع به جلوگیری از مناخلات دیگران در امور تحدید تلگرافاتی صادر و ابدا جوابی از شما نرسیده [است] علت چیست؟ البته [از] نتیجه اقدامات اطلاع دهید.»^{۲۳} در خصوص فعالیت‌های هیات اتحاد اسلام در زمینه ضبط دایره نواقل توسط اداره بلدیه در تاریخ دهم آوریل ۱۹۱۸ میلادی برابر با ۲۰ فروردین ماه ۱۲۹۷ اداره مرکزی گمرکات نامه‌ای به وزارت مالیه ارسال داشته است و در این مراسم اظهار داشته: «نظر به اینکه مبلغی از وجوه گمرکی خصوصا وجه‌الضمانه و معادل چهارهزار تومان عایدی گمرک آستارا توسط رئیس گمرک انزلی در شعبه تجارتخانه طومانیانوس در محل اخیر امانت گذارده شده و به این دلیل طی نامه‌ای از رئیس اداره مرکزی آن تجارتخانه در طهران تقاضا شد از پرداخت حواله‌جاتی که اداره گمرکات که از جانب کمیته انقلابیون ریاست گمرکات گیلان اشغال کرده و به او می‌شود امتناع ورزد و در این زمان تجارتخانه فوق بیان کرده: که تمام امارات دولتی در تحت ریاست نمایندگان هیات اتحاد اسلام قرار گرفته و رئیس کل گمرکات در پایان مراسم اظهار داشته از حیث و میل شدن منافع دولت جلوگیری کنند.^{۲۴} وزارت مالیه نیز طی نامه‌ای به تاریخ ۳۰ فروردین ماه ۱۲۹۷ این وقایع را به وزارت داخله ارسال نموده است. در این نامه چنین بیان شده: «در خصوص عایدات گمرکی آستارا که در تجارتخانه طومانیانوس در انزلی امانت گذارده شده و خواستند که شعبه تجارتخانه مزبور در طهران حواله‌جاتی که از طرف هیات اتحاد اسلام می‌شود نادیده نمایند. گزارشی از اداره مرکزی گمرکات به این وزارتخانه رسیده که ارسال می‌شود تا در حفظ عایدات دولتی اقدامی را که مقتضی بدانند به عمل آورده و از نتیجه این وزارتخانه را مطلع نمایند.^{۲۵} در تاریخ ۲۷ آبان ماه ۱۲۹۷ اداره تشخیص عایدات گزارش اداره تحدید گیلان را به وزارت داخله ارسال کرده است. در این گزارش چنین آمده است: «از قرار راپورتی که اداره تحدید گیلان به مرکز داده است معادل یک میلیون و پانصد هزار رشته باندرل تحدید اخیرا در یادکوبه به طبع رسیده و تحویل اداره مالیه رشت شده است اگرچه تا به حال از باندرلهای موضوع بحث در گیلان استعمال نشده ولی چون محتمل است بالاخره از استعمال آنها اختلال مهمی در امور تحدید رخ نماید متمنی است به وسیله اقدامات لازمه از وقوع استعمال باندرلهای مزبور قبلا جلوگیری به عمل آید.»^{۲۶} در تاریخ ۴ دی ماه ۱۲۹۷ هجری شمسی از وزارت مالیه خواهان اقدام فوری در مورد شکایت عموم تجار برای اضافه کردن مثقالی ده شاهی مالیات جدید به تریاکهایی که از بروجرد حمل شده و با وجود داشتن باندرل اتحاد اسلام توقیف کرده هستند. وزارت مالیه در تعقیب نامه‌های قبلی طی نامه‌ای به تاریخ سوم بهمن ماه ۱۲۹۷ به وزارت داخله راجع به مثقالی دهشاهی اضافه حقوقی که هیات اتحاد اسلام از تریاکهای باندرل شده مطالبه و

اخذ می‌کند. نتیجه اقدامات انجام شده را خواستار بوده است.^{۲۷} محمدحسین گیلانی در نامه‌ای به تاریخ ۱۷ اسفند ماه ۱۲۹۷ به وزارت داخله اظهار داشته: که احکام تلگرافی راجع به دخالت دیگران در امور اداره و اضافه کردن دهشاهی به هر مثقال تریاک ملاحظه و از اداره مالیه گیلان تحقیق و جوابی که نوشته‌اند ارسال گردید.^{۲۸}

محمدحسین گیلانی طی دو تلگراف جداگانه در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۲۹۸ در مورد مشاهده باندرل جدید طبع شده در یادکوبه به وزارت داخله اطلاع داده و اضافه می‌کند حساب‌الامر اطاعت و قدغن اکید شد باندرل جدید را توقیف نمایند.^{۲۹} وزارت داخله نیز طی نامه‌ای به کفیل حکومت گیلان در خصوص اقدام هیات اتحاد اسلام مبنی بر توقیف و مطالبه دهشاهی مالیات جدید در هر مثقال از تریاکهای باندرل شده وارده از بروجرد، خواستار اقدامات لازمه برای دفع این مشکل شده و متذکر شده که این مساله باعث نکت تجارت تریاک و منافی نظامنامه تحدید خواهد بود.^{۳۰} وزارت داخله طی تلگرافی به کفیل حکومت گیلان خواستار نتیجه اقدامات انجام شده در مورد مطالبه مثقالی دهشاهی اضافه بر حقوق دولتی از تریاکهای باندرل شده می‌شود.^{۳۱} وزارت داخله در تلگرافی به وزارت مالیه از مخبره جوابیه کفیل حکومت گیلان اطلاع داده است.^{۳۲} و در تلگراف دیگری از وزارت داخله به کفیل حکومت گیلان چنین آمده است «مطابق گزارش رسیده به وزارت مالیه اخیرا معادل یک میلیون و پانصد هزار رشته باندرل تحدید در یادکوبه طبع و به اداره مالیه رشت تحویل شده است و برای اینکه از استعمال آنها اختلالی در امور تحدید حاصل نشود بهتر است به وسایل لازم از وقوع استعمال آنها جلوگیری و نتیجه لازمه اطلاع دهید.^{۳۳} متأسفانه بسیاری از این نامه‌ها در این مجموعه وجود نداشت و دو سه سند دیگر که در مجموعه قرار داشت ناخوانا بود. به هر ترتیب اسناد فوق نشان دهنده فعالیت‌های هیات اتحاد اسلام و اقدامات مالیه وزارت داخله همچنین قدرت این دو وزارتخانه و روابط حاکم بین دو وزارتخانه است.

نحوه بازبینی اسناد

در ابتدای امر سعی شد تمامی اسناد موجود بازخوانی و بر اساس اولویت‌های تاریخی و تاریخی موضوعی مرتب شود و ضمن ارائه توضیحاتی پیرامون بعضی موضوعها، تاریخهای موجود در اسناد با تاریخ هجری شمسی تطبیق داده شود و با تکیه بر اسناد از رخداد واقعه یک بازسازی صورت پذیرد. در جریان کار مشکلاتی وجود داشت:

- ۱- بسیاری از این اسناد در این مجموعه ناقص بود. بدین معنی که راپورتهای تلگرافها، سواد حکم و نامه‌هایی که شماره آنها آمده ولی از خود این اسناد اطلاعی در دست نیست و ما مختصری از اطلاعات این اسناد را که در نامه‌های دیگر ذکر شده می‌توانیم به دست بیاوریم.
- ۲- در این اسناد از تاریخهای هجری شمسی با ماهها و روزهای هجری قمری و گاه‌شماره‌های ایرانی قدیم و همین‌طور تاریخهای هجری قمری با ماه و روز هجری شمسی و استفاده شده است.
- ۳- برای کسب اطلاعاتی در زمینه اوضاع داخلی، سازمانهای که حکومت جنگل را ایجاد کرده و چگونگی روابط این سازمانها با دولت یا کمبود منابع مواجه هستیم.



مستوفی الممالک



تشکیل هیات اتحاد اسلام از تحولات هم عصر با مشروطیت

۴- اسناد مورد استفاده به شکل کپی بود و اصل اسناد رویت نشد این امر و دست‌خط‌های مختلف در اسناد که در بعضی مواقع همراه با قلم‌خوردگی بود و ناخوانا بودن اسناد، مشکل عمده محسوب می‌شد. که نگارنده سعی کرد تا جایی که به محتوای سند نظمه وارد نکند بازخوانی شود و کلماتی که ناخوانا بود با نقطه‌جین علامت گذاشته و در پایین صفحه توضیح داده شود ولی در بعضی مواقع که به مفهوم نظمه وارد می‌کرد استفاده نشد.

۵- بعضی از مهرها و امضاها، اسناد ناخوانا بود که سعی شد در پایین صفحه توضیح داده شود.

۶- نشانه‌های موجود در سربرگه اسناد در داخل کروشه [] و در محلی که در سند قرار داشت نوشته شد مانند [نشان شیر و خورشید].

۷- برای درک سریع مطلب در بعضی قسمت‌ها علائم نگارش مانند: «نقطه» و «ویرگول» و اضافه شده است و در بعضی جاها برای کاملی شدن مطلب از حروف اضافه استفاده شده که در چنین مواردی داخل کروشه آمده است و هیچ مطلب و کلمه‌ای بدون توضیح، اضافه و یا کم نشده است.

سند شماره ۱

گزارش اداره مالیه گیلان به وزارت مالیه و کسب تکلیف در خصوص ضمیمه شدن اداره نواقل به اداره بلدییه رشت [نشان شیر و خورشید]

وزارت مالیه
اداره: کابینه

سواد: راپورت اداره مالیه ۸ حوت^{۳۴} نمره ۵۱۵۱

مورخه: ۲۰ حوت ۱۲۹۶ اداره: تشخیص عایدات

از چندی پیش به این طرف اعضا بلدییه^{۳۵} رشت در صدد برآمده بودند که در کلیه امور دایره نواقل^{۳۶} دخالت نموده و به

موجب تصریحی که در قانون بلدییه شده است اداره مالیه را از دخالت در ضبط و ربط عایدات و جمع و خرج محاسبه آن بازدارند. در مقابل اقدامات مجدانه آنها فدوی^{۳۷} استادگی نموده و به آنها جواب داده‌ام که اصرار شما در این کار بی‌مناسبت [است] اداره مالیه بدون حکم مرکز نمی‌تواند این تقاضای بلدییه را قبول نماید ولی بلدییه این مساله را تعقیب کرده و از طرف هیات مقدس اتحاد اسلام حکم قاطع به تحویل کردن دایره مزبور به اداره بلدییه صادر گردید و اینک محض

استحضار خاطر مبارک عرض می‌نماید که دایره نواقل از اول برج حوت با تمام دفاتر و آنچه موجودی صندوق تا آخر دلو^{۳۸} بوده است بر حسب حکم هیات مقدس اتحاد اسلام اداره بلدییه تحویل گرفته‌اند (امین مالیه محمد حسین گیلانی)

[امضا]

[مهر]: وزار مالیه

سند مالیه ۲

در خواست وزارت مالیه از وزارت داخله در خصوص نتیجه اقدامات کفیل گیلان از جلوگیری از دخالت دیگران در امور تحدید

[نشان شیر و خورشید]

وزارت مالیه تاریخ ۸ برج حمل ۱۲۹۷^{۳۸}

اداره: تشخیص عایداتوزارت جلیله داخله

نمره: ۳۸۵۲۰

در تعقیب مرقومه نمره ۵۷۰۴ آن وزارت جلیله در موضوع جلوگیری از مداخلات دیگران در امور تحدید گیلان، خواهشمند است نتیجه اقدامات کفیل حکومت گیلان را به این وزارتخانه اطلاع دهند.

[امضا: ناخوانا] اداره شمال ۱۸ جمادی‌الثانی

[مهر]: ناخوانا

سند شماره ۳

ارسال گزارش اداره مالیه گیلان به وزارت داخله در خصوص تعقیب توقیف عایدات بلدییه انزلی

به تاریخ: ۲ برج حمل ۱۳۳۶^{۳۹}

[نشان شیر و خورشید]

وزارت مالیه

نمره ۴۱۵۰۶

اداره: تشخیص عایدات

نمره ۴۱۵۰۶

وزارت جلیله داخله

از اداره مالیه گیلان راپورتنی رسیده است که مندرجاتش قابل توجه و سواد آن برای استحضار آن وزارت جلیله ارسال می‌دارد. در تعقیب توقیف عایدات بلدییه انزلی به توسط اعضا

بلدییه آنجا اکنون معلوم می‌شود کلیه عایدات بلدییه گیلان را نیز ضبط کرده‌اند وزارت مالیه انتظار دارد هر چه زودتر از نتیجه اقدامات آن وزارت جلیله در جلوگیری این قبیل [یک کلمه ناخوانا] گردد [امضا: ناخوانا]

اداره شمال

۱۵ جمادی‌الثانی

[مهر]: ناخوانا

سند شماره ۴

تلگراف وزارت داخله به وزارت مالیه در مورد گزارش کفیل حکومت گیلان راجع به بلدییه رشته

دولت عیله ایران ۱۸ حمل قوی نیل

[نشان شیر و خورشید] طهرانیه تاریخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۶^{۴۰}

وزارت داخله‌صادر

وزارت جلیله مالیه

بر طبق مرقومه نمره (۴۱۵۰۶) راجع به بلدیه رشت تلگرافی به کفیل حکومت گیلان مخابره شده بود و جوابی رسیده است که موافقت رانقا ملاحظه می کنید [امضا: ناخوانا] [مهر]: نمره کتاب ثبت ۹۳۹۲۵۰ کارتن ۱۰ دوسیه سه شعبه تحریرات: شمال ضمیمه دارد

سند شماره ۵
ارسال گزارش اداره مالیه گیلان به وزارت داخله در خصوص تعقیب توقیف عایدات بلدیه اتزلی [نشان شیر و خورشید]
وزارت مالیه
سول: راپورت اداره مالیه گیلان مورخه سرطمان ۱۲۹۷ نمره ۱۴۸۲ مورخه: ۱۶ برج اسدیوینیت ثیل ۱۳۳۶^{۳۱}
نمره ۱۴۰۲۸
مقام منبع وزارت جلیله مالیه
در تعقیب راپورت نمره ۵۲۲۵ [یک کلمه ناخوانا] مورخه ۱۱ حوت ثیلان ثیل^{۳۲} راجع به نواقض رشت با نهایت احترام معروض می دارد که کفالی السابق دایره مزبور ضمیمه بلدیه است و به تصویب حکومتی عایدات آن را صرفی می کنند. اینک مستدعی است هر نوع صلاح است تعلیمات لازم به عهده اداره مالیه صادر فرمایند.
به جای امین مالیه گیلان
[مهر]: وزارت مالیه سواد مطلق اصل است
سند شماره ۶
نامه اداره مرکزی کل تحدید به وزارت مالیه در مورد جریان گذاشتن این اداره از تصمیمات اتخاذ نموده
۱۸ حمل قوی نیل
[نشان شیر و خورشید]
وزارت مالیه
اداره: کلینیه ۱۲۶۶۶
سول: مراسم اداره کل تحدید مورخه: ۱۸ جدی ۱۲۹۷^{۳۳}
نمره: ۳۳۳۳۶ مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکت در تعقیب معروضه (۱۰۸۶۴) اینک سواد مراسله ۱۶۲۷ اداره تحدید گیلان و ضمیمه آن را تلو تقدیم می دارد مستدعی است پس از ملاحظه از تصمیم و اقداماتی که در جلوگیری از مناخلات اداره مالیه و هیات اتحاد اسلام نسبت به امور تحدید گیلان خاصه این لوقات که سرویس تحدید به اجاره رفته اتخاذ فرموده اید اداره مرکزی کل تحدید را مشخص فرمایند رئیس کل تحدید مستحضر فرمایند. رئیس کل تحدید مویس [امضا]
[مهر]: کلینیه وزارت مالیه سواد مطلق اصل است
سند شماره ۷
شرح مجدد اداره کل تحدید از مناخلات هیات اتحاد اسلام به وزارت داخله
به تاریخ: ۲۸ برج جدی ۱۲۹۷^{۳۴}
[نشان شیر و خورشید]
وزارت مالیه
نمره ۳۳۳۳۶
اداره: [۴۵] عایداتوزارت جلیله داخله
نمره ۳۳۳۳۶
در تعقیب مراسله نمره ۲۶۱۰ - ۲۶۹ آن وزارتخانه راجع به مناخلات هیات اتحاد اسلام در امور حدید گیلان مجدداً شرحی از اداره کل تحدید رسیده است که سواد آن برای استحضار آن وزارت جلیله

تلا^{۳۵} ارسال و خواهشمند است از نتیجه اقداماتی که به عمل آورده این وزارتخانه را مستحضر فرمایند.
[حاشیه پایین سمت چپ]: اداره شمال ۷ ربیع الثانی [مهر]: وزارت مالیه
سند شماره ۸
تلگراف وزارت داخلی به وزارت مالیه مبنی بر اعلام وصول تلگراف رمز از کفیل حکومت گیلان راجع به امور استارا
[نشان شیر و خورشید] طهران: شهریه تاریخ ۲۶ رجب ۱۳۳۶^{۳۷}
وزارت داخله صادره: حکومت
وزارت جلیله مالیه
تلگرافی رمز از کفیل حکومت گیلان در جواب وزارت داخله به امور استارا رسیده است و سواد آن را برای اطلاع آن وزارتخانه لفا ارسال شده [امضا: ناخوانا]
به محض اطلاع
[مهر]: نمره کتاب ثبت ۱۰۶۱ کارتن ۱۰ دوسیه ۲ شعبه تحریرات مهر ضمیمه ندارد.
سند شماره ۹
جوابیه اداره مالیه گیلان به حکومت رشت [نشان شیر و خورشید]
ایالات گیلان و طوالش
سواد مشروحه جوابیه اداره مالیه گیلان به حکومت رشت مورخه: ۱۷ برج حوت ۱۲۹۷ مقام رفیع حکومت جلیله گیلان و طوالش
نمره: ۵۱۸۸
سواد حکم تلگرافی وزارت جلیله داخله راجع به جلوگیری از دخالت دیگران در امور تحدید در ضمن مرقومه نمره ۳۹۹۱ ارسال فرموده بودید زیارت گردید. نظر به اینکه در این موضوع هم حکمی در تحت نمره ۳۸۳۵۸ از کار گزاران مالیه رسیده و مراتب را به طور کامل به عرض کار گزاران وزارت جلیله مالیه رسانیده است [یک کلمه ناخوانا] از حقیقت امر کار گزاران وزارت جلیله داخله هم مستحضر خواهند شد و از آنجا در حکومت جلیله هم از تصمیم جمعیت اتحاد اسلام راجع به اخذ عایدات و تمرکز یافتن آن به اداره مالیه و مداخلاتی که در کلیه امور دارند بی اطلاع نیستند بدیهی است هرگونه جوابی که مقتضی باشد به عرض وزارت داخله خواهند رسانید محل مهر اداره مالیه گیلان نمره ۶۰۶۴ [حاشیه پایین سمت راست]: سواد مطابق با اصل است [یک کلمه ناخوانا]
سند شماره ۱۰
تلگراف وزارت داخله به کفیل حکومت گیلان راجع به جلوگیری از مناخلات دیگران در امور تحدید دولت علیه ایران ۲۰ [ناخوانا] یونستیل
[نشان شیر و خورشید] طهران: شهریه تاریخ ۳ حوت ۱۳۳۷^{۳۸}
وزارت داخله صادره: تلگراف
کفیل حکومت گیلان
کرارا راجع به جلوگیری از مناخلات دیگران در امور تحدید تلگرافات صادره ابنا جوابی از شما نرسیده علت [یک کلمه ناخوانا] چیست البته نتیجه اقدامات اطلاع دهید [امضا، ناخوانا]
[مهر]: نمره کتاب ثبت: ۱۹۱۵۴/۶۳۱۶
کارتن ۱۰ دوسیه ۳
شعبه تحریرات: شهری

پی نوشتها

- ۱- به مجموعه های زیر می توان اشاره کرد:
- فتح الله کشاورز، نهضت جنگل و اتحاد اسلام، اسناد محرمانه و گزارشها تهران، سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۱
- غلامحسین میرزا صالح جنبش میرزا کوچک خان بنا بر گزارشهای سفارت انگلیس، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۹.
- رقیه سادات عظیمی: نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت خارجه تهران، وزارت خارجه، ۱۳۷۷.
- ایرج افشار: برگهای جنگل نامه های رشت و اسناد نهضت جنگل، تهران، نشر و پژوهش فرزاد، ۱۳۸۰.
- علاوه بر مجموعه اسناد موجود در ایران منتشر شده یا نشده در سال گذشته اسناد ذی قیمتی از آرشیو دولتی جمهوری آذربایجان به سازمان اسناد ملی منتقل شده است علاوه بر مجموعه های فوق اسناد پراکنده در مجموعه های دیگر می توان یافت از جمله:
- محمد ناصر نصیری مقدم، گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول، تهران، وزارت خارجه، ۱۳۷۴.
- ایرج افشار، قیله تاریخ، تهران، انتشارات طلایه ۱۳۶۸، و...
۲- ر. ک: کوهستانی نژاد، خورشید بر فراز جنگل، فصلنامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد (ویژنامه نهضت جنگل) شماره ۳۳ پاییز ۱۳۸۰، ص ۲۰ به بعد.
۳- محمدجواد صاحبی، سید جمال الدین آسادی، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵، صص ۱۴۴ - ۱۴۳.
۴- ابراهیم فخرا، سردار جنگل میرزا کوچک خان، تهران، جویبان، چ یازدهم ۱۳۶۶، صص ۲۲ و ۲۳ و همچنین غلامرضا و رهرام، تاریخ سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین، ۱۳۶۹، ص ۲۸۵.
۵- حمید عنایت، اندیشه سیاسی اسلام معاصر ترجمه بهدالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، چ سوم ۱۳۷۲، ۲۱۴.
۶- اسماعیل رائین، قیام جنگل، تهران، جویبان، ۱۳۵۷، ص ۴۴.
۷- فخرا، پیشین، ص ۴۶۴ به نقل از یحیی دیوسالار.
۸- ملک الشمرای بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران تا انقراض قاجاریه، تهران، امیرکبیر، چ چهارم، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۱۶۷.
۹- و رهرام، پیشین، ص ۳۵۲.
۱۰- بهار، پیشین، ص ۱۶۷ همچنین علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، مدیر، ۱۳۷۵، ص ۶۲۱.
۱۱- فخرا، پیشین ص ۹۱ و ۹۰.
۱۲- سند شماره ۱ از مجموعه حاضر.
۱۳- سند شماره ۲ از مجموعه حاضر.
۱۴- سند شماره ۳ از مجموعه حاضر.
۱۵- سند شماره ۴ از مجموعه حاضر.
۱۶- سند شماره ۴ از مجموعه حاضر.
۱۷- سند شماره ۵ از مجموعه حاضر.
۱۸- نامه های وزارت داخله با شماره های ۳۱۱۸ - ۳۱۹۹ یافت نشد.
۱۹- سند شماره ۷ از مجموعه حاضر.
۲۰- هیچ یک از احکام موجود نمی باشد.
۲۱- هیچ یک از احکام موجود نمی باشد.
۲۲- سند شماره ۹ از مجموعه حاضر.
۲۳- سند شماره ۱۰ از مجموعه حاضر.
۲۴- سند شماره ۱۱ از مجموعه حاضر.
۲۵- سند شماره ۱۲ از مجموعه حاضر.
۲۶- سند شماره ۱۳ از مجموعه حاضر.
۲۷- سند شماره ۱۵ از مجموعه حاضر.
۲۸- هیچ یک از احکام موجود نبود.
۲۹- سند شماره ۱۷/۱ و ۱۷/۲ از مجموعه حاضر.
۳۰- سند شماره ۱۸ از مجموعه حاضر.
۳۱- سند شماره ۱۹ از مجموعه حاضر.
۳۲- سند شماره ۲۰ از مجموعه حاضر.
۳۳- سند شماره ۲۱ از مجموعه حاضر.
۳۴- برابر با ۸ اسفند ماه جمادی الاول ۱۳۳۸.
۳۵- اداره بلدیه فاقینهای شهرداری فلی را انجم می داد.
۳۶- دایره نواقض در حال حاضر با نام اداره راه و ترابری است.
۳۷- برابر با ۲۰ بهمن ماه.
۳۸- برج حمل برابر با فروردین ماه است ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۶.
۳۹- ۸ جمادی الثانی ۱۳۳۶ / ۲ / حمل / ۱۲۹۷.
۴۰- ۱۳۹۷/۱۲/۱۹.
۴۱- ۲۸ شوال ۱۳۳۶ هجری قمری.
۴۲- برابر با اسفند ماه.
۴۳- ۵ ربیع الثانی.
۴۴- برج جدی خواننده شد که برابر با دی ماه می شود مطابق با ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۶ هجری قمری.
۴۵- یک کلمه ناخوانا.
۴۶- در پی بیرو.
۴۷- ۱۳۹۷/۲/۱۸ شمسی.
۴۸- ۱۳۹۷/۱۲/۳ برابر با ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۷.